

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۰۳/۲۰
تاریخ بررسی مقاله: ۸۶/۰۶/۲۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۶/۰۸/۰۴

مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی
دانشگاه شهید چمران اهواز، پاییز ۱۳۸۶
دوره سوم، سال چهاردهم، شماره ۳
صص: ۱-۲۶

روش‌شناسی تربیتی ائمه اطهار (ع)

محمدجعفر پاک‌سرشت*

عباسعلی رستمی‌نسب**

مسعود صفایی‌مقدم***

چکیده

ائمه اطهار (ع) بر مبنای جهانبینی توحیدی و وحی الهی به ارائه روش‌های تربیتی پرداخته‌اند. آنچه مسلم است این است که بعد از شناخت مسائل تربیتی، مهمترین فعالیت تربیتی شناخت روش‌های مناسب برای حل و فصل آن مسائل است. شناخت روش‌شناسی تربیتی ائمه اطهار (ع) و به کارگیری روش‌های مربوطه، می‌تواند کمک بزرگی در پی ریزی یک نظام تربیتی دین‌محور باشد. لذا در این مقاله سعی شده است تا روش‌شناسی تربیتی ائمه اطهار (ع) با تحقیق پیرامون مطالب زیر تبیین و ارائه گردد: معنا و مفهوم روش، ضرورت و اهمیت شناخت روش‌ها، چگونگی تولید و طراحی روش‌ها و مبانی شناسایی آنها، ویژگی‌های روش‌شناسی تربیتی، جایگاه ارزشی روش‌ها و روش‌شناسی در تعلیم و تربیت، نقش انسان در شناخت روش‌ها، انواع روش‌ها، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، پیشنهادها و استلزامات تربیتی.

کلید واژگان: جهانبینی توحیدی، ائمه اطهار (ع)، جایگاه ارزشی روش‌شناسی تربیتی

* استاد بازنشسته، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران،
pakseresht_m@scu.ac.ir
** دانشجوی دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران،
rostaminasab@mail.uk.ac.ir
*** دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران،
Safaemoghadam_m@scu.ac.ir

مقدمه

اما بر اساس آموزه‌های دینی ما، انسان تنها با تکیه بر خرد فردی و جمعی خود قادر به پیمودن صحیح این راه طولانی و پردرد و رنج نیست. استفاده از هدایت‌ها و روش‌های تربیتی رب العالمین که توسط پیامبران و اوصیاء آنان بیان گردیده، امری ضروری است. در سایه روش‌های مبتنی بر مبانی الهی و معطوف به هدف غایی، انسان می‌تواند به مقصود نهایی خود برسد. در نظام تربیتی و حیانی، ائمه اطهار (ع) هدایت‌کننده انسان در فرآیند آموزش و پرورش می‌باشند.

به موجب نص‌های مسلم در متون مذهبی (شیع)، ائمه اطهار (ع)، اولاً همگی به دلیل این که حجت‌های بر حق خدا بر زمین و وارث علوم انبیاء، هستند، از علمی برخوردارند که بشر عادی را از آن نصیبی نیست. ثانیاً روش‌های تربیتی ائمه اطهار (ع) به رغم تنوع و تکرار آنها، از ویژگی فراگیر بودن برخوردار هستند. به این معنی که ناظر بر کلیه فعالیت‌های آدمی‌اند. بنابراین، وقتی که مثلاً حضرت محمد (ص) می‌فرماید: «مَنْ سَلَكَ طَرِيقاً يَطْلُبُ فِيهِ عِلْماً، سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقاً إِلَى الْجَنَّةِ» (شیخ صدوق، ۱۳۸۴، ص ۳۰۱). یعنی «هر که راهی را پوید که در آن دانشی جوید خداوند راهی از بهشت بر او بگشاید». یا آنجا که امام صادق (ع)

دیدگاه‌های معرفتی ائمه اطهار (ع)، مبتنی بر اصول اعتقادی توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت و بر مبنای وحی الهی (قرآن کریم) است. قرآن کریم کتاب شناخت، هدایت و تربیت انسان است. بر اساس آیات قرآن کریم، خداوند انسان را مخلوقی جسمانی-روحانی آفریده است. انسان دارای فطرتی خداگرا، آخرت‌گرا، کمال‌طلب، حقیقت‌جو و عدالت‌خواه است. او دارای قوای ظاهر و قوای باطن است که با به کارگیری آنها شخصیت او شکل می‌گیرد. همچنین، مخلوقی است که در انجام بعضی از امور توانا و در بعضی دیگر ضعیف است. موجودی مسئولیت‌پذیر و است. هدف غایی او قرب الی الله و رضوان الهی می‌باشد. در واقع، انسان در مسیر حرکت از ضعف به کمال و برای رسیدن به هدف نهایی خود، نیاز به تعلیم و تربیت الهی یا وحیانی دارد. او در فرایند تعلیم و تربیت الهی با مسائل فراوان، متنوع، سخت و ناگوار روبرو می‌شود. توفیق در این راه نیازمند به هدایت، فعالیت، صبر، امید و توکل است. هر چند در دین مبین اسلام بر عقلانیت انسان تأکید فراوان شده و از انسان خواسته شده که در همه امور از عقل و خرد خود بهره‌گیری کند،

می‌فرماید: «التَّفَكُّرُ يَدْعُو إِلَى الْبِرِّ وَالْعَمَلِ بِهِ» (کلینی رازی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۲). یعنی «اندیشیدن انسان را به نیکی و انجام آن می‌کشاند». این امور در همه موارد صادق است، خواه مثلاً در رابطه با تربیت کودک و فرزند باشد، یا در خصوص پرورش گیاه، کار در آزمایشگاه باشد یا میدان جنگ و ... جهاد. ثالثاً روش‌ها برای بهبود و پیشرفت، رشد و کمال انسان و نیل او به مقام قرب الهی توصیه و اعمال می‌شوند. لذا در آن خیرخواهی محض نهفته است. روش‌ها با هدف فلاح و رستگاری انسان عرضه می‌گردند.

امام هادی (ع) در خصوص سه نکته مذکور چنین می‌فرمایند: «امامان از خاندان رسالت، خزانه‌داران علوم الهی، صاحبان خرد، حجت‌های خدا بر اهل دنیا و عوالم قیامت و برزخ، دعوت‌کنندگان به سوی خدا و راهنمایان به خشنودی خدا، دارای دانش و بردباری و دوراندیشی‌اند و سخن‌شان نور و امرشان مایه رشد و کمال است (مفاتیح الجنان، ۱۳۸۳، ۵۳۷).

روش‌های تربیتی ائمه اطهار (ع) با توجه به مراحل رشد انسان، توانایی‌ها و ضعف‌های او، مطابق آن چه در قرآن کریم آمده است، انسان را در جهت تعالی و کمال

که همانا قرب به خداست هدایت می‌نمایند. هدایت ائمه اطهار با ویژگی‌های ذاتی انسان آن گونه که در قرآن مجید آمده، انطباق کامل دارد. انسان در قرآن کریم در هر مرحله از رشد و بالندگی دارای ویژگی‌هایی خاص خود و متناسب با مراحل قبل و بعد است.

۱- انسان طی مراحل خلق می‌شود و در هر مرحله توانایی‌های خاصی دارد و در هر مرحله روش‌های خاص متناسب با آن نیاز دارد تا به کمال نهایی خود برسد. خداوند می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لِيَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يَتَوَفَّى مِنْ قَبْلُ وَ لِيَبْلُغُوا أَجْلاً مُّسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (سوره مؤمن، آیه ۶۷). «اوست آن خدایی که شما را از خاک، سپس از نطفه، سپس از لخته خون بیافریده است. آنگاه شما را که کودکی بودید از رحم مادر آورد تا به سن جوانی برسید و پیر شوید؛ بعضی از شما پیش از پیری بمیرید و بعضی به آن زمان معین می‌رسید، شاید به عقل دریابید».

۲- انسان ضعیف آفریده شده است و طی تلاش‌ها، کوشش‌ها و تحمل مشکلات و به کار گرفتن روش‌های مقتضای حالات او می‌تواند به مقصد غایی فلسفه خلقت خود

برسد. حکمت به شما بیاموزد و چیزهایی را که
 نمیدانستید به شما یاد دهد».

آیات مذکور بر این نکته تأکید دارند
 که خداوند قابلیت‌هایی برای رشد و کمال
 انسان، در وجود او به ودیعت نهاده، اما او را
 در عین حال به خود واگذاشته، بلکه وی را
 محتاج راهنمایی‌ها و هدایت‌های خود نموده
 است. در این خصوص امام حسین (ع) در
 دعای عرفه می‌فرماید: «خداوندا، با تدبیر
 خود، از تدبیرهای ناقص بی‌نیازم فرما و از
 اختیار خود بهره‌مندم ساز» (جعفری، ۱۳۴۸،
 ص ۱۱۰). این هدایت‌ها توسط انبیاء و
 اوصیاء برگزیده ذات باری تعالی تحقق
 می‌پذیرد؛ مسلماً ائمه اطهار (ع) که جانشینان
 حضرت محمد (ص) می‌باشند، با اعمال
 روش‌های خاصی که ملهم از وحی می‌باشند،
 هدایت‌های الهی را نسبت به انسان‌ها انجام
 داده‌اند. شناخت این روش‌ها و اجرای آنها در
 تعلیم و تربیت موجب سعادت انسان‌ها
 خواهد بود. از این رو در این مقاله به طور
 خاص روش و روش‌شناسی تربیتی ائمه
 اطهار (ع) مورد پژوهش قرار می‌گیرد و در
 این راستا به مباحث زیر پرداخته می‌شود:

(۱) معنا و مفهوم روش، (۲) ضرورت و
 اهمیت شناخت روش‌ها، (۳) چگونگی پدیدار
 شدن روش‌ها و مبانی شناسایی آنها، (۴)

«لَقَدْ خَلَقَ الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (سوره بلد،
 آیه ۴). «ما انسان را در رنج آفریده‌ایم».

«... وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» (سوره
 نساء، آیه ۲۸). «... و آدمی ناتوان آفریده شده
 است».

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ، أَنْكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ
 كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (سوره انشقاق، آیه ۶). «هان
 ای انسان تو در راه پروردگارت تلاش
 می‌کنی و بالاخره او را دیدار خواهی کرد».

۳- خداوند به انسان حواس، عقل و
 خرد عنایت کرده است و پیامبرانی جهت
 هدایت فطری او مبعوث نموده است و او با
 برخورداری از هدایت‌های درونی و بیرونی،
 می‌تواند به روش‌های مناسب استعدادها و
 توانایی‌های خود دست یابد و آنها را جهت
 رسیدن به رشد و کمال خود به کار گیرد.

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا
 كَفُورًا» (سوره دهر، آیه ۳). «راه را به او نشان
 داده‌ایم، یا سپاس‌گزار باشد یا ناسپاس».

«كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا
 عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ
 الْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»
 (سوره بقره، آیه ۱۵۱). «همچنان که رسولی
 از شما در میان شما فرستادم که آیات ما را بر
 شما بخواند و شما را پاکیزه کند و کتاب و

ویژگی های روش شناسی تربیتی، (۵) جایگاه ارزشی روش ها و روش شناسی در نظام تعلیم و تربیت، (۶) ماهیت روش ها، (۷) نقش انسان در شناخت روش ها، (۸) انواع روش ها، (۹) جمع بندی و نتیجه گیری، (۱۰) پیشنهادها و استلزامات تربیتی.

۱) معنا و مفهوم روش

روش در لغت به معنای طرز، طریقه، قاعده، قانون، راه، هنجار، شیوه و اسلوب آمده است (دهخدا، ۱۳۷۶، ص ۱۰۹۰۴). از لحاظ ماهوی روش شناسی مجموعه وسایل، ابزار، قواعد و تدابیری است که به طرز منطقی تنظیم یافته به نحوی که کاربست آنها نیل به هدف را میسر سازد. با مبنا قرار دادن این معنای لغوی و حقیقی روش، روش شناسی تربیتی عبارتست از: شیوه شناخت قواعد و طرق حل مسائل تربیتی و ایجاد زمینه مناسب برای سیر تعالی و عروج معنوی انسان. معنای روش در پژوهش ها و تحقیقات، انجام فعالیت های نظام مند برای حل مسائل و رسیدن به مقصد مورد انتظار است.

در بیان تفاوت روش با مبنا، هدف و اصل، برخی معتقدند که روش در مقابل اصل [که دستورالعمل های کلی هستند]،

دستورالعمل های جزئی تر می باشند (باقری، ۱۳۷۸، ص ۶۴). روش، راه و طریقه ای است که میان اصل و هدف امتداد دارد و عمل تربیتی را منظم و موصول به هدف و منظور مری می کند (هوشیار، ۱۳۷۴، ص ۲۲). روش، تعیین کننده ویژگی های مسیری است که باید برای رسیدن به هدف مطلوب آن را پیمود (ملکاوی فتیحی، ۱۳۸۰، ۳۷۲).

در مکتب تربیتی ائمه اطهار (ع)، روش در مفهوم کلی اش به معنای راه و طریق حق آمده است. یعنی هم خود حق است و هم موجب نیل به وصول حق می گردد. لذا مستلزم تلاش و کشف است و کشف خود مستلزم پیرایش از گناهان، پیشه کردن تقوی و تزکیه و تهذیب نفس، جهت ظهور نور و صفا در دل و شناخت روش های مورد نظر می باشد.

خداوند می فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت، آیه ۹۶). یعنی «و کسانی که در آنچه مربوط به ماست با تمام وجود تلاش کرده و هیچ گاه از ایمان و اطاعت باز نمانده اند، قطعاً آنان را به راههایی که به ما منتهی می شود راهنمایی می کنیم، و به راستی که خدا با نیکوکاران است».

علاوه بر تهذیب نفس، دستیابی به

- روش‌های ائمه اطهار (ع) متضمن مطالعه و مذاقه در سیره آن بزرگان و زندگانی عملی آنان است. روش تربیتی ائمه اطهار (ع) با روش‌های متداول تفاوت‌هایی دارد، هر چند شباهت‌هایی هم بین روش آن بزرگان با روش بعضی از مکاتب وجود دارد. آنچه مهم است این است که روش ائمه اطهار (ع) با هدف رساندن انسان به رستگاری و نیل به قرب الهی قوام می‌گیرد و سرچشمه آن وحی الهی و سیره نبوی است. تحقق این امور مستلزم کشف روش‌ها می‌باشند. در واقع در این مکتب روش اعتبار نمی‌شود، بلکه بر اساس مبانی و اهداف از منابع استخراج می‌گردد. نظام آفرینش و عالم مخلوقات به گونه‌ای است که شناخت روش جهت دست‌یابی به حقایق، امری ضروری و مستلزم تلاش در فضای تقوا می‌باشد.
- امام علی (ع) به صراحت روش و ضرورت شناخت آن را این چنین تبیین می‌فرماید:
- «انسان راهی پر مشقت و طولانی در پیش دارد و در این راه بدون کوشش و تلاش فراوان و داشتن زاد و توشه مناسب و سبک کردن بار گناهان موفق نخواهد شد» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۵۲۵).
- و در کتاب غررالحکم و دررالکلم آمده است:
۱. به علت این که اختلافی در دیدگاه‌های ائمه اطهار وجود ندارد، هر عبارتی از معصوم (ع) به همه آنها نسبت داده می‌شود.
- «قَدْ وَصَّحْتُ مُحَجَّجَهُ الْحَقَّ لِطُلَّابِهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، جلد ۴، ص ۴۷۶). «به تحقیق واضح است شاهراه حق برای طلب کننده آن».
- «قَدْ دُلُّتُمْ إِنْ اسْتَدَلَّتُمْ، وَ وُ عِظْتُمْ، إِنْ الْأَضَلَّتُمْ، وَ نُصِحْتُمْ إِنْ أَنْتَصَحْتُمْ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، جلد ۴، ص ۴۷۹). «به تحقیق که راه نموده شده‌اید، اگر راه بجوئید؛ پند داده شده‌اید، اگر پند پذیرید و نصیحت شده‌اید اگر قبول کنید».
- «هَدَيْتُمْ إِنْ هْتَدَيْتُمْ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، جلد ۵، ص ۳۳). «راه نموده شده‌اید اگر راه یابید».
- «مَنْ عَدَلَ عَنِ الْمَسَالِكِ سَلَكَ سُبُلَ الْمَهَالِكِ» (تمیمی آمدی، جلد ۵، ص ۳۶۰). «هر کس از واضح مسالک عدول کند، راههای مهالک را سلوک کند».
- با توجه به این رهنمودها، می‌توان چنین برداشت کرد که شناخت روش درست، در تمامی مسائل مربوط به انسان، در برگیرنده تفکر، تلاش و کوشش، صبر و پرهیز از گناه می‌باشد.
- پس، از دیدگاه ائمه اطهار (ع)^۱ روش،

قانون و دستورالعمل الهی جهت رسیدن به رستگاری و قرب الهی می‌باشد. لذا وظیفه انسان در مواجهه با مسائل و مشکلات خود و جامعه، شناخت و کاربست این روش‌ها است.

۲) ضرورت شناخت روش‌ها

ضرورت و اهمیت شناخت روش‌ها وقتی آشکار می‌گردد که شخص با مسائلی روبرو شود که نیاز شدید به حل آنها احساس شود. در این صورت است که شخص ناگزیر می‌شود که برای یافتن راه حل، منابع و اطلاعات موجود را مورد مطالعه و تعمق قرار داده و به شناخت و صورتبندی روش نایل آید. از آنجا که همواره تغییر و تحول بر زندگی بشر حاکم است، لذا زندگی بشر آکنده از مسأله است (پوپر، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶) که بخشی از آنها جدید و بخشی مسائل حل نشده گذشته‌اند. از جمله این مسائل، مسأله شناخت و هدایت انسان برای بهره‌مندی از زندگی توأم با فضیلت می‌باشد. لذا لازم است در جستجوی شناخت روش‌های مناسب تربیتی و اجرای آنها در فرایند تعلیم و تربیت متربیبان بود، والا در اثر انباشت مسائل حل نشده و پیدایش مشکلات تازه،

به تدریج درد و آلام بشر فزونی می‌یابد و جهنمی هولناک برای او ساخته می‌شود. مطالعه سیره ائمه اطهار (ع) نشان می‌دهد که در دیدگاه و حیانی این بزرگان، روش‌ها جزء قوانین حاکم بر نظام خلقت‌اند، ولی بر انسان غیر محقق پوشیده‌اند. برای شناخت آنها بایستی ضوابطی را به کار گرفت. آنچه معلوم است این است که روش‌ها به تناسب موضوع‌ها و مسائل متنوع و کثیرند. برای مثال، در موضوع بندی مطالب «نهج البلاغه» مؤلف بیش از ۲۵۰ روش در مسائل متعدد شناسایی و بیان نموده است (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۸۶۰). شیخ صدوق در کتاب «ثواب الاعمال و عقاب الاعمال» ۶۳ ثواب اعمال متفاوت و ۱۷۲ عقاب الاعمال متفاوت، از قرآن و عترت استخراج و ثبت نموده است. بنابراین نمی‌توان روش‌های معدودی برای حل مسائل انسان یافت. روش‌های تربیتی ائمه اطهار (ع) به رغم تنوعشان از اوصاف ممتازی برخوردارند. مثلاً:

- ۱- بیان آنها عاری از تکلف و ابهام است.
- ۲- غرض از آنها هدایت انسان در جهت رشد و کمال است.

- ۳- عمل به آنها موجب آسایش و آرامش روحی انسان است.
- ۴- عمل به آنها متضمن ازدیاد تقوی و ایمان و پرهیز از معاصی است.
- ۵- هم تشخیص آنها و هم عمل به آنها منتج از قلب سلیم و اعتقاد و اخلاص به خدای یگانه است.
- ۶- روش‌ها از نوعی هماهنگی و سنخیت برخوردارند و در بین آنها تعارض دیده نمی‌شود.
- ۷- روش‌ها در مجموع بینش و بصیرت خاصی به عاملان و کاربران آن می‌دهد.
- همان‌طور که بیان شد روش‌ها متنوع‌اند، به گونه‌ای که هر حوزه‌ای روش‌های مناسب خود را دارد، پس روش‌ها در هر کدام از حوزه‌ها ویژگی‌های خاص خود را دارند. قبل از بحث ویژگی‌ها لازم است چگونگی تولید و طراحی روش‌ها و مبانی شناخت آنها به اختصار بیان گردد.

۳) تولید و طراحی روش‌ها و مبانی شناسایی آنها

- در مبحث ضرورت شناخت روش‌ها، گفته شد، که انسان در فرایند حیات و کمال خود، همواره مواجه با مسائل مبتلا به زمان
- ۱- امام علی (ع) در پاسخ به این سؤال که «روش تسلط بر نفس (مبنا) چگونه است؟» می‌فرمایند: «یاد فراوان روز قیامت و بازگشت به سوی خدا (روش)»، (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۵۹۱).
- ۲- یونس گوید: به موسی بن جعفر عرض کردم: به چه وسیله خدا را به یگانگی بپرستم؟ (مبنا) فرمود: بدعتگزار مباش (روش)، (کلینی، ۱۳۵۹، ص ۷۳۱).

روش شناسی می‌توان نتیجه گرفت که، روش شناسی شامل اخذ دستورالعمل‌هایی از سیره ائمه معصومین (ع) در خصوص چگونگی یافتن راه‌حل‌های مناسب جهت حل مسائل مربوط به انسان می‌باشد. روش شناسی دارای ویژگی‌هایی است که با استناد به اسناد مربوطه عبارتند از:

الف- ملهم بودن از قرآن و سنت

روش‌هایی که ائمه اطهار (ع) بیان می‌کنند برگرفته از شناختی است که خداوند نسبت به عالم و آدم می‌دهد و یا پیامبر خاتم تعلیم فرموده است. حضرت علی (ع) خطاب به امام حسن (ع) می‌فرمایند: «وَأَعْلَمُ يَا بُنَيَّ أَنْ أَحَدًا لَمْ يُنْبِئِ عَنِ اللَّهِ كَمَا أَنْبَأَ عَنْهُ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَارْضَ بِهِ رَائِدًا، وَإِلَى النَّجَاهِ قَائِدًا» یعنی «و بدان پسرکم که هیچ کس چون رسول (ص) از خدا آگاهی نداده است پس خرسند باش که او را راهبرت گیری و برای نجات، پیشوایی اش را بپذیری». دقیقاً این روش مبتنی بر آیه قرآن مجید که خداوند می‌فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ» (آل عمران، آیه ۳۲) و یا آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، آیه ۲۱) است.

اسناد زیر گویای این نکته است که

۳- احمد بن مهران از ابی بصیر روایت کند که گوید: به حضرت موسی بن جعفر (ع) عرض کردم قربانت گردم به چه چیز (روش) امام (مبنا) شناخته می‌شود؟ فرمود: به چند چیز که اولی آنها این است که از پدرش سخنی و اشاره‌ای درباره امامت او گذشته باشد تا همان حجت و دلیلی باشد، و به این که از او پرسشی شود و او پاسخ گوید و اگر پرسشی نشد، او خود آغاز سخن کند و به این که از فردا خبر دهد و با مردم به هر زبانی که دارند با آن زبان گفتگو کند (روش شناسی)، (مفید، ۱۳۴۶، ص ۲۱۷).

در روایت‌های بالا، دقیقاً روشن است، که روش شناسی و ارائه روش‌های مناسب، بر اساس مبانی و در جهت تبیین مسأله شناخته و استخراج می‌گردند و به صورت قانون و دستورالعمل اجرایی صادر می‌شوند. همچنین، مشخص می‌گردد که روش‌ها متنوع و نام گذاری آنها برابر با موضوع صورت می‌گیرد. مثل روش تسلط بر نفس، روش یگانه پرستی، روش امام شناسی، روش الگویی و غیره ... که در مبحث انواع روش‌ها توضیح بیشتر داده شده است.

۴) روش شناسی و ویژگی‌های آن

از مطالب گفته شده در خصوص

ائمه اطهار (ع) تمامی علوم و روش‌های مربوط به تربیت و زندگی را می‌دانسته‌اند. امام علی بن الحسین (ع) می‌فرمود: «مردم چه خرده‌گیری بر ما دارند؟ به خدا که ما درخت نبوت، خانه رحمت و کانون علم و آمد و شد فرشتگانیم» و امام صادق فرمود، «هر کتابی که خداوند نازل نموده است، نزد اهل علم است و ما اهل علم هستیم»، امام محمد باقر (ع) فرمود: «جز اوصیاء پیغمبر (ص) کسی را نرسد که ادعا کند ظاهر و باطن قرآن نزد اوست، علم تفسیر و احکام قرآن و علم تغیر زمان و حوادث [مسائل روز و مقتضیات زمان] به ما داده شده است. امام صادق فرمود: «ما نیازی به مردم نداریم که از آنها بپرسیم ولی مردم به ما احتیاج دارند». همچنین، به ابوبصیر فرمود: «علم گذشته و آینده تا روز قیامت نزد ماست، ابوبصیر عرض کرد به خدا علم کامل همین است، فرمود: این هم علم کامل نیست و فرمود علم کامل علمی است که در هر شب و روز راجع به موضوعی پس از موضوع دیگر و چیز دیگر تا روز قیامت پدید آید. (کلینی، ۱۳۴۷، صفحات ۳۴۲-۳۴۷-۳۴۹-۳۲۷-۳۲۰).

«اسماعه به امام کاظم (ع) عرض کرد، آیا همه چیز در کتاب خدا و سنت پیغمبرش موجود است یا شما در آن گفتاری دارید؟

فرمود همه چیز در کتاب خدا و سنت می‌باشد (کلینی، ۱۳۴۸، ص ۸۰).
 امام صادق (ع) در همین مورد فرمود: «حدیث من حدیث پدرم و حدیث پدرم، حدیث جدم، حدیث جدم حدیث حسین (ع) و حدیث حسین و حسن حدیث امیرالمومنین، حدیث امیرالمومنین (ع) حدیث رسول خدا (ص) و حدیث رسول خدا (ص) گفتار خداست» (کلینی، ج ۱، ۱۳۴۷، ص ۶۸). با توجه به این دو حدیث مذکور منابع شناخت روش‌ها ملهم از قرآن و سنت است. لذا کسی قادر است که به صواب، روش‌های تربیتی را شناسایی نماید که شناخت و معرفت لازم نسبت به کتاب خدا، سنت پیامبر (ص) و سیره اهل بیت او داشته باشد. به عبارت دیگر خداشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی آنان را فهمیده باشد.

ب- اقتضای زمان و مکان

هر عملی و روشی که انسان می‌خواهد اجرا نماید، باید منطبق با اقتضای زمان و مکان باشد.

امام علی (ع) می‌فرماید: «مبادا هرگز در کاری که وقت آن فرا نرسیده شتاب کنی، یا کاری که وقت آن رسیده، سستی ورزی، و یا در چیزی که حقیقت آن روشن نیست، ستیزه

صادق ۱۴۲۵ هـ-ق، ص ۲۶۸) در این سند تأثیر رعایت وقت مناسب بر یادگیری هم ملحوظ است که توضیح تأثیر روش مناسب، جای خاص دیگری را می‌طلبد.

ج- تناسب روش با توانایی‌های طبیعی و مراحل رشد تربیتی

آنچه مسلم است این است که در اجرای هر روش تربیتی، زمینه‌ها و توانمندی‌های تربیتی نقش اساسی دارند، لذا هر گونه دستورالعمل تربیتی می‌بایستی متناسب و هماهنگ با توانایی‌های طبیعی او باشد. در رهنمودهای تربیتی ائمه اطهار (ع) این مهم به وضوح مورد توجه و تأکید قرار گرفته است، به طوری که امام زین العابدین (ع) در «رساله الحقوق» در فرازی تحت عنوان «حقوق کودک» می‌فرماید:

«وَأَمَّا حَقُّ الصَّغِيرِ فِرَحْمَتِهِ وَتَثْقِيفُهُ وَتَعْلِيمُهُ وَالْعَفْوُ عَنْهُ وَالسَّتْرُ عَلَيْهِ وَالرَّفْقُ وَالْمَعُونَةُ وَالسَّتْرُ عَلَى جَرَائِرِ حَدَاتِهِ فَإِنَّهُ سَبَبٌ لِلتَّوْبَةِ وَالْمَدَارَاةَ لَهُ وَتَرْكُ مَا حَكَمَتْهُ فَإِنَّ ذَلِكَ أَذْنَى لِرُشْدِهِ» (تحف الحرائی، ۱۳۶۷، ص ۴۲۴).

«حق خردسال این است که بر او رحمت آری، در تربیت (فکری) و تعلیمش بکوشی، از خطایش بگذری، و پرده پوشی

جویی نمایی و یا در کارهای واضح آشکارا کوتاهی کنی، تلاش کن تا هر کاری را در جای خود و در هر زمان مخصوص به خود انجام دهی» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۵۹۱).

همه نکاتی که امام علی (ع) در خصوص انجام کار تجویز فرموده، از عناصر مشترک روش‌هایی‌اند که شامل روش‌های تربیتی هم می‌شوند. مثلاً این که چگونه باید نماز خواند، در چه وقت، در چه مکانی. امروز رعایت مکان‌ها و زمان‌های آموزشی، از عناصر شناخته شده برنامه آموزشی و درسی است. معمولاً زمانی که این ویژگی‌های (زمان و مکان) آموزشی مراعات نمی‌گردد، اعتراض معلم و دانش‌آموز و یا استاد و دانشجو آغاز می‌شود. بنابراین ویژگی دیگر روش شناسی این است که زمان و مکان روش شناخته گردد. در تمامی آموزه‌های ائمه معصومین این مهم به وضوح دیده می‌شود. مثلاً مفضل در خصوص زمان کلاس امام صادق می‌گوید: «وقت زوال شد و مولای من به نماز برخاست و فرمود، فردا بیا ان شاءالله. سپس برگشتم شاد و مسرور و مبتهج و محبور به آنچه مولای من از لطایف علوم و غرایب حکم بر من افاضه فرمود و خدا را بر این نعمت عظمی حمد و ثنا گفتم و شب به غایت شادی و سرور خفتم» (احتجاجات امام

اندازه عقل خودشان سخن می‌گوییم». متربی جزء ارکان روش است و نمی‌توان او را از آن جدا کرد، بر خلاف دیدگاه بعضی از صاحب نظران، روش صرفاً یک دستورالعمل نمی‌باشد و اثر آن وقتی روشن می‌گردد که به اجرا در آید و روش در اجرا جدای از فعالیت‌ها و واکنش‌های مثبت شاگرد نمی‌باشد. به عبارتی روش جنبه مجرد و انتزاعی ندارد، یک دستورالعمل خشک نیست، بلکه با علائق، فکر، اندیشه و علم معلم و شاگرد سرکار دارد، آنهم بدین صورت که معلم نقش راهنما و شاگرد نقش فهم، پذیرش، عمل و یادگیری دارد که نهایتاً منجر به رشد، کمال و فضایل انسانی می‌شود. در تفکر تربیتی ائمه اطهار (ع) شاگرد به تدریج هدایت می‌یابد، تا به مرحله تشخیص و عمل (تکلیف) برسد، و هر چه سطح و عمق معرفتی او بیشتر می‌شود، حوزه مسئولیت او بیشتر و بیشتر می‌گردد، تا جایی که «مکلف» شده و خود مسئول اعمال خویش می‌شود، هر چند که دیگران هم در ایجاد موانع بر سر راه پیشرفت او مسئولند و هنگامی که در ضعف و ناتوانی قرار گرفت از او رفع تکلیف می‌شود. در روش شناسی ائمه معصومین (ع) فعالیت شاگرد جدای از روش دیده نمی‌شود. بلکه فعال بودن او جزو

کنی، با او بسازی، کمکش کنی، جرم‌های کودکانه‌اش را ببوشی، که این خود سبب بازگشت (و اصلاح حال) اوست. باید با کودک مدارا کرد، با او در نیفتاد، این روش برای رشد و هدایت او مناسب‌تر است».

این متن نشان می‌دهد که یکی از ویژگی‌های روش شناسی مکتب تربیتی ائمه معصومین (ع) ابتدای روش‌های تربیتی بر رعایت تناسب و میزان توانایی‌های یادگیرنده است.

حضرت محمد (ص) می‌فرماید:

«حِفْظُ الْعِلْمِ الصَّغِيرِ كَالنَّفْسِ فِي الْحَجَرِ وَ حِفْظُ الرَّجُلِ بَعْدَ مَا يَكْبُرُ كَالْكِتَابِ عَلَى الْمَاءِ» (نهج الفصاحه، ۱۳۸۵، ص ۶۹۱).

«آنچه کودک نارس به ذهن می‌سپارد مانند نقشی است بر سنگ که می‌تراشد و آنچه مرد بزرگسال به ذهن می‌سپارد مانند نوشتن بر آب است». با این شناخت روش تمرین و تکرار در دوران کودکی و روش یادداشت برداری و مکتوب کردن در دوران بزرگسالی تجویز می‌گردد. بنابراین، معلم باید عالم به ویژگی‌های فرایند رشد انسان باشد، تا بتواند روش مناسب را شناسایی نماید.

امام علی (ع) می‌فرماید:

أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ (کلینی، ج ۱، ۱۳۶۷، ص ۲۷). «ما با مردم به

روش است. تأکید است. شاگرد در تخصص و تقوا از معلم الگو می‌گیرد. در این راستا وظیفه شاگرد، محترم شمردن کلاس، گوش دادن به هدایت‌های مربی است و هر دو [معلم و شاگرد] به عنوان افراد مخلص در جهت کسب رضای خداوند فعالیت دارند (الحرانی، ۱۳۶۷، ص ۴۱۳) بنابراین جهت روش مهم است.

و- جهت روش

جهت روش، به طور کلی می‌تواند همسو ساختن فعالیت‌ها در راستای اهداف الهی یا غیرالهی باشد. در مکتب تربیتی ائمه اطهار (ع) جهت روش همسوی فعالیت در راستای تحقق اهداف الهی و سعادت تمامی انسان‌های عالم است. لذا جهت روش به سوی تربیت انسان‌های مؤمن و متقی است که امام علی (ع) صفات آنها را در خطبه «همام» بر می‌شمارد. در نظام تربیتی ائمه معلم نقش جهت دهی الهی دارد که این جهت دهی توسط معلمانی انجام می‌گیرد که مصداق این عبارت امام علی (ع) در صحنه اجرای روش باشند. از نمونه این صفات که شامل روش معلم در عمل، شناخت و تحقق آن در شاگرد به عنوان هدف تربیتی است مطلب زیر است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «دوست ندارم جوانی از شما را جز آن ببینم که شب را در یکی از دو حال به روز آورد: یا عالم یا جوینده علم...» (حکیمی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۶۸).

همچنین، «امام صادق (ع) فرمود که پدر من گفت: دانش گنجینه‌ها دارد که کلید آن پرسش است و در این میان چهار تن مزد یابند: پرسنده، پاسخ دهنده، شنونده و مهرورز آنان» (صدوق، ۱۳۵۰، ص ۱۹۳). یکی از این کلیدها نقش معلم در هدایت متربی است که این هم جزء روش محسوب می‌شود. دقیقاً روشن است که روش یک فعالیت ترکیبی است.

د- نقش هدایتی معلم

در روش تربیتی ائمه اطهار (ع) معلم نقش الگو، شاگرد نقش پیروی کننده دارد (صدوق، ۳۵۰، ص ۱۹۳) وظیفه شاگرد، محترم شمردن کلاس و گوش دادن به هدایت‌های مربی است و هر دو [معلم و شاگرد] به عنوان افراد مخلص در جهت کسب رضای خداوند فعالیت دارند (الحرانی، ۱۳۶۷، ص ۴۱۳)، بدین معنا که در روش تربیتی، توانایی علمی و تقوای معلم مورد

«مؤمن علم و حلم را با هم، و عقل و صبر را به هم می‌آمیزد» (فیض کاشانی، ج ۴، ۱۳۷۶، ص ۴۲۳).

جهت هر فعالیتی به سوی خداست، روش‌ها هم با الهام از جهان بینی توحیدی به سوی خداوند جهت دارند. امام باقر (ع) فرمود: «هر کس علم را برای مباحات و فخرفروشی به علما یا برای ستیزه و جدال با سفیهان یا برای جلب توجه مردم بجوید، جایگاه او آتش است، که ریاست جز برای اهلش شایسته نیست» (نراقی، ۱۳۷۷، جلد اول، ص ۱۶۰). حضرت ابراهیم (ع) در هدایت مردم به خدا و دستورات او توجه می‌کند و روش کار خویش را چنین جهت می‌دهد.

«إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (سوره انعام، آیه ۷۹).

«همانا من با ایمان خالص رو به سوی خدایی آوردم که آفریننده آسمان‌ها و زمین است و من هرگز با مشرکان موافق نیستم». پس جهت هر فعالیتی طاعت و بندگی خدای یکتاست.

همراه تجاربی که فرد، خود دست به انجام آنها می‌زند، می‌توانند در برگیرنده عناصر مفیدی برای پیشرفت انسان باشند. در قرآن کریم و سیره ائمه اطهار (ع) و آثار مکتوب آنان، تأکید بر شناخت و بهره‌گیری از دانش‌ها و روش‌های منتج از تجربه شده است. امام علی (ع) در این رابطه می‌فرماید:

«الْعَقْلُ غَرِيزَةٌ تَرَبِّتُهَا التِّجَارِبُ» (تمیمی آمدی، ۱۳، ج ۲، ص ۳۲). «خردمندی غریزه‌ای است که پرورش دهنده‌اش تجربه‌هاست».

«وَإِيَّاكَ وَالْإِتِّكَالَ عَلَى الْمَنَى فَأِنَّهَا بَصَائِعُ النَّوْكَى وَالْعَقْلُ حِفْظُ التِّجَارِبِ وَخَيْرٌ مَا جَرَّيْتَ مَا وَعَظَكَ بِإِدْرِ الْفُرْصَةِ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غُصَّةً» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۵۳۲).

«هرگز بر آرزوها تکیه نکن که سرمایه احمقانه است و حفظ عقل، پند گرفتن از تجربه‌هاست، بهترین تجربه‌ها آن که تو را پند آموزد. پیش از آن که فرصت از دست برود و اندوه باردار از فرصت‌ها استفاده کن».

امام علی (ع) همچنین در منشور تربیتی خود خطاب به امام حسن (ع) می‌فرماید:

«ای فرزندم، باید بدانی که قلب جوان همانند زمینی است دست نخورده، زمینی که هنوز بذری در آن نریخته‌اند و هر بذری که

ح- بهره‌گیری از تجربیات

بهره‌گیری از تجارب گذشتگان، به

در آن افکنده، زود بگیرد و برویاند. من قصد کرده‌ام که آداب دین را به تو یادآور شوم، پیش از آن که دوستی دنیا بخواهد قلب تو را سخت گرداند و عقل تو به کارهای بیهوده مشغول شود. با این وصیت می‌خواهم که با اندیشه کامل خود به امور خویش اقدام نمائی، به اموری که اهل تجربه تو را از جهت آزمایش و از جهت هدف بی‌نیاز ساخته‌اند. با این ترتیب از رنج تجربه‌ها راحت می‌شوی و از پرداختن به آزمایش‌ها معاف می‌گرددی و خلاصه، آدابی را که من با زحمت‌های بسیار تحصیل کرده‌ام، تو بدون زحمت به آن آداب دست می‌یابی» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۳۱).

برابر این متن، روش بر اساس معرفت نسبت به ویژگی‌های انسان - به خصوص طبیعت و ماهیت انعطاف‌پذیری و شکل‌گیری تدریجی شخصیت انسان و ارج نهادن به تجربه‌های عالمان تعلیم و تربیت شناخته می‌گردد. همچنین روش، جنبه تجربه‌پذیری و آزمایشی دارد و در فرآیند اجراء، وصول هدف را ممکن می‌نماید و به کودک فرصت و میدان می‌دهد تا تکامل حقیقی و تحول تدریجی خود را برای اکتساب فهم و پختگی و رشدی که در تدبیر شوون زندگی به آن نیازمند است، به دست آورد (ادیب، ۱۳۶۳،

ص ۹۳).

ت- نظارت و خود ارزیابی

مسئلاً میزان موفقیت روش در فرایند اجراء روشن می‌گردد. امام علی (ع) می‌فرماید: «خدا رحمت کند کسی را که چون سخن حکیمانه بشنود، خوب فراگیرد و چون هدایت شود، بپذیرد. دست به دامن هدایت کننده زند و نجات یابد، مراقب خویش در برابر پروردگار باشد، از گناهان خود بترسد و خالصانه گام بردارد (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۱۲۵).

امام علی (ع) می‌فرماید:

«زُنُّوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُؤَازِنُوا، وَحَاسِبُوا قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا» (غررالحکم و دررالکلم، ۱۳۶۶، ص ۱۱۸). «بسنجید نفس‌های خود را پیش از این که سنجیده شوید و محاسبه کنید آنها را قبل از اینکه محاسبه کرده شوید».

بنابراین در روش تربیتی ائمه اطهار تجربه‌های مفید و مؤثر گذشتگان جایگاه والایی دارند. همچنین، از تجارب خود بهره‌مند شدن دارای ارج و ارزش است و خود انسان میزانی است برای شناخت بسیاری از روش‌هایی که موجب سعادت و کمال انسان می‌شوند. انسان به وسیله خودش

می‌تواند خودش و دیگران را مورد ارزشیابی قرار دهد. حضرت علی (ع) در نامه خود به امام حسن (ع) او را متوجه روش‌هایی می‌نماید که مبتنی بر شناخت انسان از خود است به طوری که می‌فرماید:

«يا بُنَيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ و...» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). «پسرکم! خود را میان خویش و دیگران میزانی بشمار». سپس در توضیح این مهم می‌فرماید: «پس آنچه برای خود دوست می‌داری برای جز خود دوست بدار و آنچه تو را خوش نیاید برای او ناخوش بشمار و ستم مکن چنانکه دوست نداری بر تو ستم رود و...». «میزان قرار دادن خود» به عنوان روشی برای تنظیم روابط بین فردی، از چنان استحکام منطقی و نفوذ گسترده‌ای برخوردار است که توسط کانت و بسیاری از فلاسفه اخلاق بعد از او، به نام «قاعده زرین» معرفی شده است.

ی- تزکیه شرط موفقیت روش

در مکتب تربیتی ائمه اطهار (ع)، در تمامی روش‌های تربیتی، عنایت الهی موجب توفیق است. خداوند انسان را هدایت فرموده است، تا در سختی‌ها و گرفتاری‌ها او را بخواند و او اجابت می‌فرماید. اما عواملی در

اثر اعمال انسان، سبب می‌شوند که مانع از توجهات خداوند به درخواست او شود. در دعای کمیل به این عوامل به صورت کلی توجه داده شده است:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النَّعْمَ،
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعْمَ، اللَّهُمَّ
اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ اللَّهُمَّ
اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ ... (مفاتیح الجنان، ۱۳۸۳، ص ۱۶۱). «خداوندا، گناهانی را که بدبختی‌ها را بر من فرود آرند بیامرز، خداوندا گناهانی را که نعمت‌ها را تغییر دهد بر من بیامرز، خداوندا گناهانی که مانع اجابت دعا شوند بر من بیامرز، خداوندا گناهانی را که فرود آرند بلا بر من بیامرز».

دعا کردن، فرمانی الهی و خواستی باطنی است که سراسر روش را فراگرفته است و از دیدگاه تربیتی ائمه اطهار (ع) عامل بسیار توانایی و در تحقق هدف الهی است. مهم آن است که درخواست از وجودی برآید که متقی و مخلص است و امید و توکلش به اوست. پروردگار لوازم و عوامل شناخت شناسی را به بنده مقبول خودش عنایت می‌نماید و مدرسه دعا و مناجات، در مکتب قرآن بنیان‌گذاری و به وسیله ائمه اطهار (ع) اجرا گشته است. «صحیفه سجاده» بهترین کتاب مناجات است که شامل ۵۴ دعا و

حاوی مسائل عالی تربیتی در سه قلمرو فردی، خانواده و اجتماع است. پس روش، این ویژگی را هم دارد که یا بعد از تزکیه و تهذیب نفس مؤثر است و یا خود سبب تزکیه و تهذیب نفس می‌شود. طبق آیه ۲۴ سوره توبه و ۴۹ سوره نساء «خداوند هر که را خواهد از عیب پاک می‌کند» روش آن، دعا کردن و از خدا خواستن است، لذا در روش تربیتی ائمه اطهار (ع) در انجام هر کاری ابتدا به استمداد از خداوند توجه می‌شود و سپس بقیه فعالیت‌های مورد نظر در این فضای معنوی ربوبیت الهی انجام می‌گیرد و لذا امام در مقام تزکیه نفس، از خداوند می‌خواهد تا او را پاک گرداند. سپس استجاب دعا که متضمن قرب الی الله است صورت پذیرد. همه این ویژگی‌ها این پیام کلی را دارد که روش‌های تربیتی ائمه اطهار (ع) ارتباط انسان را با حقیقت مطلق برقرار می‌نماید و معرفت راستین در او به وجود می‌آورد. اصالت روش هم همین است که متربی در صراط مستقیم قرار گیرد و ارتباط صحیح با عالم آفرینش و مخلوقات برقرار کند. از جمله عالم ملک و ملکوت، طبیعت و ماورا الطبیعه، دنیا و آخرت و... (علوان عبدالله ناصح، ۱۴۰۶ هـ - ق، ص ۷۷۰). بعضی از

متفکرین تعلیم و تربیت غربی هم به برخی از این ویژگی‌های کلی روش در روش شناسی توجه کرده‌اند. بروباخر^۱ (۱۹۶۹، ص ۲۲۱) جنبه‌های معرفتی روش را در یادگیری، راههای شناخت، نقش هوش، تعلیم، فعال بودن شاگرد در قالب حل مسأله، نظم منطقی درس می‌داند.

با توجه به ویژگی‌هایی که از روش بیان شد می‌توان روش تربیتی ائمه اطهار را روشی دانست که بر پایه قرآن و عترت و از شناخت مبانی و هدف مسأله به دست می‌آید و جهت تحقق ارزش‌های والای انسانی در شاگرد، با هدایت‌های الهی معلم و فعالیت‌های شاگرد، اجرا و ارزشیابی می‌گردد.

این دستورالعمل مرکب از مجموعه عوامل مؤثر، هماهنگ شده و شناخته شده است که مبتنی بر مبانی و هدف مسأله‌اند. تمامی این عوامل به اصل توحید برگشت می‌کنند. نگاه به روش، نگاهی صرفاً طبیعی و مادی نیست، بلکه اگر روش در شناخت مسائل علوم طبیعی هم به کار گرفته شود باید صبغه الهی به خود گیرد تا بُعد روحی و معنوی انسان رشد نماید. در این روش شناسی، همه مخلوقات با دید نشانه‌ها و

1- Brubacher

آیات الهی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند. بدین وسیله به تدریج تواضع و تعبد انسان به خداوند به کمال خود می‌رسد. بعضی از صاحب نظران به این گونه جهت‌گیری در روش تأکید نموده‌اند.

«تمامی کوشش‌های انبیاء بر این بوده است که انسان را بسازند، تبدیل کنند به انسان الهی، در همین عالم که هست باز این طور باشد، نظر انبیاء به این عالم با نظر اشخاص دیگر فرق دارد، آنها می‌خواهند این عالم را الهی کنند، یعنی به هر چه نگاه می‌کنند آثار الهی را در آن ملاحظه کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۴۹). در این روش معلم با داشتن بینش الهی، نقش انبیاء و اوصیاء را در تربیت دارد لذا روش شناسی و ارائه روش در مسائل متعدد تربیتی از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۵) جایگاه ارزشی روش شناسی و روش در تربیت

در نظام تربیتی ائمه اطهار (ع) روش شناسی و ارائه روش برای حل مسائل انسانی از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار است. آنچه آنان در خصوص تعلیم و تربیت بیان فرموده‌اند جنبه کاربردی و عملی دارد و بر معرفت وسیع و عمیقی از خداشناسی و شناخت عالم مخلوقات استوار می‌باشد.

حرکات، سکناات، رهنمودهای آنان را عظمت و بزرگی پروردگار متعال فرا گرفته است و چیزی جز تعبد در محضر او دیده نمی‌شود. در تمامی مسائل، ذکر و استمداد از او و توکل به او ادراک می‌گردد. خوف و خشیت الهی، جان معلم را فراگرفته است و در اجرای دستوراتش، عشق با تلاش و کوشش یگانه گشته‌اند. نظام تربیتی آنان از اصل توحید الهام یافته و در اجرا مبتنی است بر اصل محبت و اصل فطرت. آثار ائمه اطهار (ع) همزمان در برگیرنده موضوع و روش است؛ هم به مسائل انسان می‌پردازد و هم روش‌های حل آنها را گفته است. اگر روش به معنای راهنمایی و هدایت گرفته شود تمامی سخنان ائمه چنین‌اند که در اینجا چند نمونه ذکر می‌شود:

حضرت علی (ع) فرموده است:

«کسی که عقلش بر هوای نفس‌اش

غالب باشد، به رستگاری و سعادت نائل می‌شود و آن کس که عقلش مغلوب تمایلات نفسانیتش باشد، سرانجام رسوا و مقتض می‌گردد» (فرید، ۱۳۶۴، ص ۹۲، ج ۲).

امام عسگری (ع) فرموده است:

«معیار بندگی و عبادت بسیاری روزه و

نماز نیست بلکه بسیاری تفکر در آفریده‌ها و امر خداوند است» (فرید، ج ۲، ۱۳۶۴، ص

(۹۲).

«آن معنایی که از علوم دانشگاهها

می‌خواهیم و آن معنایی که از علوم قدیمه می‌خواهیم همین معنا نیست که الآن در سطح ظاهر آن هست و متفکرین ما همان سطح ظاهر را دارند و در آن [کار] می‌کنند و کارهایشان هم بسیار ارجمند است، لکن آن که اسلام می‌خواهد این نیست، آن که اسلام می‌خواهد تمام علوم چه علوم طبیعی باشد و چه علوم غیرطبیعی باشد، آن که از آن اسلام می‌خواهد، آن مقصدی که اسلام دارد این است که تمام این‌ها مهار شود به علوم الهی و برگشت به توحید بکند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص ۳۲). این بینش می‌تواند تمام علوم را در بر گیرد. در این صورت ابزار و آزمون روش‌ها متفاوت می‌گردند به طوری که امروز در علوم مختلف با روش‌های متفاوت مواجه می‌باشیم ولی از دیدگاه تربیتی ائمه اطهار (ع) همه این روش‌ها در ارتباط با شناخت حکمت‌های الهی و تعالی انسان صورت می‌پذیرد. نکته دیگری که مطرح است اینکه چگونه انسان می‌تواند به روش‌هایی دست یابد که هماهنگ با روش‌های تربیتی پیامبران و اوصیاء آنان باشد.

۷) نقش انسان در شناخت روش‌ها

مسائل انسانی به نوعی به هم مرتبط

۶) ماهیت روش‌ها

در مطالبی که ذکر آنها گذشت به خصوص در تعریف روش‌شناسی، بر این نکته تأکید شد که شناخت روش بر اساس مبانی و هدف مسأله مورد نظر صورت می‌پذیرد. مسائلی که فراروی انسان قرار دارند بنا بر مقتضیات زمان و نیازهای فرد از مبانی و اهداف متفاوتی سرچشمه می‌گیرند، لذا روش‌ها هم با توجه به نوع مسایلی که رویاروی انسان قرار می‌گیرد تفاوت پیدا می‌کند، هر چند خاستگاه روش‌ها جهان بینی توحیدی است.

در نظام تربیتی ائمه اطهار (ع) با جهان بینی توحیدی به شناخت مبانی و اهداف مسائل انسانی پرداخته می‌شود. روش‌شناسی رنگ و جهت الهی دارد و روش‌هایی ارائه می‌دهد که انسان را به خداوند نزدیکتر می‌نمایند و تواضع و تعبد انسان را به پروردگار به حد اخلاص می‌رسانند. مصداق این انسان‌ها، ائمه اطهارند و انسان را با همین گونه روش‌ها و به یک سو جهت می‌دهند، آن سو هم خداست، افرادی هم که در این مکتب تربیت شده‌اند، دیگران را چنین جهت می‌دهند:

انواع روش‌ها

از دیدگاه ائمه اطهار (ع)، روش‌ها با توجه به ماهیت مسائل، متفاوتند؛ مثلاً در مکتب افلاطونی اصالت به عقل داده می‌شود و همه امور منشأ روحی دارد، اگر چه بعضی از چیزها جلوه‌های مادی و محسوس دارند. در مکتب ماتریالیسم همه چیز منشأ مادی دارد. هر چند بعضی از پدیده‌ها تجلیات غیرمادی دارند، مثل شعور، اراده و علاقه. اما در مکتب ائمه معصومین (ع) همه چیز منشأ الهی دارند و به عبارتی همه چیز در حال تسبیح ذات باری تعالی می‌باشند و اصالتی به ماده داده نمی‌شود. هستی دارای وجود و ماهیت است، وجود دارای مراتب است و اصالت دارد و ماهیت امری پنداری است که از مراتب وجود متجلی می‌گردد. تمامی مخلوقات عالم هستی مرتبه‌هایی از وجود هستند. شناخت آنها بستگی به روش‌هایی دارد که با توجه به وجود و ماهیت آنها تعیین شده باشد. بنابراین، روش‌ها متنوع هستند.

در دیدگاه ائمه اطهار (ع) توجه به اشیاء محسوس و غیرمحسوس یا مادی و غیرمادی داده می‌شود و در شناخت هر کدام هم روش‌های متفاوتی تجویز گردیده است.

امام صادق (ع) خطاب به جابر می‌گوید: ملاک حقیقت شیوه عمل است، اگر

می‌باشند و این ارتباط مستمر می‌باشد. لذا شناخت روش‌های مسائل انسانی، می‌تواند تجارب خوبی را هم برای استفاده زمان حال فراهم کند، و هم فرصت مناسبی برای شناخت روش‌های جدید ایجاد نماید. به همین دلیل ائمه اطهار (ع) بر بهره‌گیری از تجارب دیگران تأکید فراوان دارند.

امام علی (ع) می‌فرماید «الْأَيَّامُ تَنْفِيذُ التَّجَارِبِ» (عبدالواحدبن تمیمی آمدی، ج ۱، ۱۳۶۶، ص ۱۰۱). یعنی ایام [مدرسه روزگار] آدمی را از تجارب سودمند برخوردار می‌سازد. و در نامه ۳۱ بر استفاده از تاریخ و تجربه گذشتگان تأکید می‌نماید و می‌فرماید: «و مِنَ التَّوْفِيقِ حِفْظُ التَّجْرِبَةِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۶۷۴). یعنی «حفظ و به کارگیری تجربه رمز پیروزی است». متأسفانه نظام‌های دموکراسی امروز، در خصوص اهداف آموزش و پرورش بسیاری از تجربه‌های ارزشمند تاریخی را حذف نموده‌اند (فاف و گرامبس^۱، ۱۹۶۵، ص ۱۰۹).

امام علی (ع) می‌فرماید: «هر کس بر رنج‌های کسب دانش شکبیا نباشد در جهل و نادانی باقی به ماند» (تمیمی آمدی، ۱۳، ج ۵، ص ۴۱۱).

1- Foff & Grambs

از حواس را در کار دل و عقل خود دخالت می‌دهی؟ گفت نه: (امینی، ۱۳۶۱) این مطالب نشان می‌دهد که انواع روش‌ها بر می‌گردند به ماهیت مسائل، مسأله ممکن است به شیوه آزمایش حل شود و ممکن است به شیوه صرف استدلالی ارجاع شود.

در خصوص انسان‌شناسی و تربیت انسان، امام صادق (ع) به شناخت ویژگی‌های جسمی و روحی انسان توجه می‌دهد و برای سلامتی و سعادت انسان روش‌هایی ارائه می‌دهد که جنبه حسی، عقلی و یا حسی-عقلی، عاطفی یا اجتماعی دارند. برای مثال امام صادق فرمود: (۱) دست دهید که کینه را ببرد، (۲) ایمان عبارتست از اقرار، عمل و عقیده (شعبه الحرائی، ترجمه جنتی، ۱۳۶۷). هر دو عبارت امام در عین حال که مفهوم روش دارند، آزمایش، استدلال و شهود را هم در خود دارند. تمامی روش‌های تربیتی جنبه‌های عقلانی عاطفی، تجربی و به طور کلی انسانی را همراه با هم دارند، همچنین، روش‌های تربیتی جسم به عنوان ابزاری جهت پرورش روح، همواره مورد توجه است و روش‌ها به صورت دو پدیده متفاوت تربیت روح و تربیت جسم مطرح نمی‌باشند. روش‌های تربیتی شناخته شده همچون «اسوه پذیری»، «موعظه»، «مناظره»، «تبشیر و انذار»،

کسی وارد عمل نشود و آن را آزمایش نکند به درک حقیقت نائل نخواهد شد. طبایع همین عالم لباس هستی می‌پوشند. بنابراین اگر کسی درست آنها را بشناسد قهراً آثار و خواص آنها را خواهد شناخت و نحوه ترکیب آنها را درک خواهد کرد و شناسایی مواد و طبایع، پی بردن به آثار و خواص آنها اساس طریقه آزمایش را تشکیل می‌دهد (امینی، ۱۳۶۱، ص ۱۲۵).

دیصانی به امام صادق عرض کرد: «تو می‌دانی که ما آنچه را که جز به چشمان خود ببینیم یا به بینی‌های خود ببوئیم یا به پوست خود بساویم، نخواهیم پذیرفت، امام صادق در پاسخ او گفت، حواس پنجگانه را بر شمردی، این حواس جز با کمک و راهنمایی (بیرون از خود آنها) چیزی را ادراک نمی‌کنند، همان طور که در تاریکی بدون چراغ نمی‌توان راه رفت. همچنین، امام به پزشک هندی در "رساله هلیله" فرموده است: حواس به خودی خود، اشیاء را درک نمی‌کنند و راه شناختی برای حواس بدون قلب وجود ندارد، قلب راهنمای حواس است. در ادامه می‌فرماید: به من بگو آیا هیچ‌گاه با خود درباره کارهای بازرگانی یا صنعتی و ساختمانی یا اندازه‌گیری چیزی، سخن می‌گویی و ... آیا در این اندیشیدن هیچ یک

امر به معروف و نهی از منکر»، «تفکر منطقی» و... مبتنی بر فعالیت‌های جسمی-روحی می‌باشند. خلاصه آن که روش‌های تربیتی ماهیتی ترکیبی دارند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به کلیه مطالب مطرح شده در خصوص روش‌شناسی و ارائه روش تربیتی از دیدگاه ائمه اطهار (ع) می‌توان روش‌شناسی را در جنبه‌های شناختی زیر دانست: (۱) شناخت حوزه معرفتی شاگرد، (۲) شناخت مسأله برخاسته از نیازهای حیاتی و تعالی‌یابنده شاگرد، (۳) شناخت مبانی و اهداف مسائل، (۴) شناخت راه‌های حل مسأله مبتنی بر مبانی و اهداف مسائل، (۵) تجربه‌های گذشتگان در پیوند با عناصر مسأله [مبانی، روش‌ها و اهداف]، (۶) جهت‌دهی تمام جنبه‌های شناختی روش به سوی هدف متعالی [قرب الهی]، (۷) توانایی لازم در شناخت همه جنبه‌های روش‌شناسی و شناخت روش و جهت دادن آنها به سوی حل مسائل به منظور تحقق ارزش‌های متعالی انسان، (۸) نظم منطقی و روانی موضوع‌ها و مسائل درسی بر اساس مراحل رشد و توانایی شناختی مرتبی، (۹) چگونگی فعال شدن شاگرد در تمامی مراحل حل مسائل و

افزایش قدرت عقلانی او در حل مسائل جدید و رسیدن تدریجی به خوداتکایی و یا اجتهاد، (۱۰) توجه نسبت به تمام مسائل انسانی از جنبه یکتاپرستی و اصول اعتقادی، بر اساس رهنمودهای وحیانی و سیره ائمه اطهار (ع). این شیوه روش‌شناسی به این نکته مهم هدایت می‌کند که ارائه روش‌ها با توجه به نظام وحیانی-تربیتی شناخته می‌شوند. لذا شناخت این نظام در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد. زیرا آموزش و پرورش وحیانی در برگیرنده تمامی علوم است که مرتبط با حسنه دنیا و آخرت انسانند. از طرفی بشر تمام پدیده‌هایی را که در هدف معرفتی خود می‌یابد، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد و از آنها در عمل، استفاده می‌کند، به خصوص ثمرات علوم، ابزاری در راه تعالی بیشتر انسان می‌شوند. بی‌تردید امروزه مکاتب تربیتی روش‌های تربیتی را با توجه به تئوری تربیتی خود مورد شناسایی قرار می‌دهند. در این تئوری تربیتی بحث از عالم، آدم و چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر در صدر تئوری قرار می‌گیرد. مثل تئوری آموزش و پرورش افلاطون^۱، روسو^۲، جان دیویی^۳ و ... که معمولاً روش‌های خود را با

1- Plato

2- Rousseau

3- Dewey

توجه تئوری جهان‌شناسی خود به آموزش و پرورش توصیه می‌نمایند (ت، و، مور، ۱۹۷۴). جهت و مقصد این تئوری‌ها بیشتر متوجه حسنه دنیای انسان است و توجه چندانی به آخرت انسان ندارد ولی روش‌های تربیتی ائمه اطهار (ع) هر دو را در بر می‌گیرد.

پیشنهادها و استلزامات تربیتی

ائمه اطهار (ع) به عنوان مربیان واقعی مردم، از نظر دانش، بینش و عمل، در موفقیت ممتازی قرار دارند، کسانی که قرار است در نظام آموزش و پرورش مسئولیت معلمی را به عهده بگیرند باید، ائمه اطهار (ع) را الگوی خود قرار دهند. از این رو، لازم به نظر می‌آید که بر انتخاب معلم توجه جدی شود، و آنان در مراکز تربیت معلم، در نزد استادان عالم به مکتب تربیتی ائمه اطهار (ع) با ویژگی‌ها و سیره تربیتی آنان کاملاً آشنا شوند، نسبت به نظام تربیتی قرآن و عترت بصیرت پیدا کرده، و بتوانند علم یا علوم مورد نظر خود را در جهت هدایت متربیان به سوی خدای یگانه به کار گیرند. همچنین، باید آنان در مسائل تربیتی صاحب اجتهاد گردند، بدین صورت که در حل

مسائل جدید با الهام از معارف دینی و استفاده از تجارب بشری، روش‌های مقتضای حال را شناسایی و ارائه نمایند. به عبارت دیگر، در محدوده نظام فلسفی-تربیتی، آنان بتوانند اظهار نظرهای مستدلی در خصوص روش‌های حل مسائل تربیتی بنمایند. همان‌طور که در این مقاله ذکر گردیده است، روش‌شناسی ائمه اطهار (ع) و ارائه روش‌های آنان، برای حل مسأله، حتی مسائل جزئی، با توجه به قوانین حاکم بر نظام آفرینش و فلسفه خلقت انسان انجام می‌گیرد. توصیه می‌شود که اصول روش‌شناسی ائمه اطهار (ع) به جد مورد استفاده قرار گیرند. این اصول، بر اساس آنچه در این مقاله آمده است عبارتند از:

۱. شناخت هر امری بر اساس جهان بینی توحیدی صورت می‌گیرد.
۲. از جمله منابع اصلی شناخت، قرآن و عترت می‌باشند.
۳. مسائل تربیتی انسان با الهام از معرفت‌شناسی این منابع شناخته می‌شوند.
۴. بعد از شناخت مسائل تربیتی، ابهامات مسائل به صورت بیان شقوق آنها بر طرف می‌گردد.
۵. روش‌ها بر اساس شناخت مبانی و اهداف شناسایی می‌شوند.

۶. روش‌ها، ملاحظات ویژگی‌های مراحل رشد انسان و موقعیت زمانی و مکانی و زمینه‌های مناسب اجرایی را در یک فرایند تربیتی به صورت هماهنگ قرار می‌دهند.
۷. همه روش‌ها، یادگیری و شناخت را به سوی توحید و تعالی انسان در دنیا و بالخصوص در آخرت جهت می‌دهند.
۸. در روش‌ها، نقش هدایتی و مسئولیت‌پذیر معلم و مربی مورد توجه است.
۹. در تمامی مراحل اجرای روش، معلم و مربی استمداد از خداوند، توکل به او، امید به موفقیت را تکیه گاه فعالیت‌های خود قرار می‌دهند.
۱۰. در اجرای روش، مراقبه و محاسبه و بازخورد اصلاحی مورد توجه است.
۱۱. در روش‌ها همه ابعاد آدمی در نظر گرفته می‌شود.
- در واقع روش در قالب یک نظام تربیتی تعریف می‌گردد و ماهیت امر به معروف و نهی از منکر پیدا می‌کند.
- با این دید معرفتی به روش، معلم نقش کلیدی دارد، او مجری روش و هماهنگ کننده همه عناصر مربوطه در جهت تحقق هدف یا شناخت و حل مسائل است. انجام این مسئولیت بزرگ، در گرو برنامه‌ریزی آموزشی و درسی حساب شده برای گزینش و تربیت معلمان است که استعداد ذاتی انجام این مهم را دارند.

منابع

فارسی

- غررالحمک و دررالکلم آمدی، ترجمه: محمد خوانساری (۱۳۶۳). تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- صحیفه سجادیه امام زین العابدین (ع)، ترجمه حسین انصاریان (۱۳۷۶). تهران، انتشارات پیام آزادی.
- نهج البلاغه، علی (ع)، ترجمه: علی دشتی (۱۳۷۹). قم، مؤسسه انتشارات مشهور.

- ابن شعبه الحرانی، الحسن بن علی بن الحسین ابی محمد (۱۳۶۸). **تحف العقول**، ترجمه: احمد جنتی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- احتجاجات الامام الصادق (ع) و توحید الفضل، امام جعفر صادق (ع) (۱۴۲۵هـ.ق). تهران، مؤسسه گنج معرفت.
- ادیب علی محمدحسین (۱۳۶۳). **راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی (ع)**، ترجمه: رادمش سیدمحمد، تهران، انتشارات مؤسسه انجام کتاب.
- امینی (۱۳۶۱). **راه تکامل**، ترجمه: بهشتی احمد، تهران: دارالمکتب اسلامیه.
- باقری، خسرو (۱۳۷۸). **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، تهران، انتشارات آموزش و پرورش.
- پوپر، کارل (۱۹۹۶). **زندگی سراسر مسأله است**. ترجمه خواجهان، شهریار (۱۳۸۳)، تهران: نشر مرکز.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۴). **نیایش حسین (ع)** قم، مرکز انتشارات دارالتبلیغ اسلامی.
- حسینی سروری، سیدعلی اکبر (۱۳۷۸). **مجموعه مقالات نظری-تحلیلی**، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۶۸). **الحیاه**، ترجمه: آرام، احمد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). **لغت نامه**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- شهید ثانی (۱۴۰۹ هـ.ق). **منیه المرید**، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
- شیخ عباس قمی (۱۳۸۳). **مفاتیح الجنان**، ترجمه: الهی قمشهای، قم، انتشارات مشرقین.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه (۱۳۵۰). **خصال**، ترجمه: مرتضی گیلانی، تهران، انتشارات جاویدان.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۴). **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**، ترجمه: حسن زاده، صادق. قم، انتشارات فکر آوران.
- صلواتی، فضل الله (۱۳۸۴). **تحلیلی از زندگانی و دوران امام محمدتقی**، تهران، انتشارات اطلاعات.
- علوان عبدالله ناصح (۱۴۰۶ هـ.ق). **تربیه الاولاد**، قاهره، الناشر دارای اسلام.
- فرید، مرتضی (۱۳۶۴). **الحديث**، ج ۲، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- فیض کاشانی ملامحسن (۱۳۷۹). *المحججه البیضا فی تهذیب الاحیاء*، ترجمه محمدرضا عطایی، ج ۴، مشهد مقدس، بنیاد پژوهش‌های اسلامی استان قدس رضوی. قران کریم.
- الکلینی الرازی ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۴۸). *اصول کافی*، ج اول و دوم، ترجمه: مصطفوی سیدجواد، تهران.
- ملکاوی فتحی، حسن (۱۳۸۰). *گامی به سوی نظریه‌پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی*، ترجمه: غلامرضا متقی و اسدالله طوسی، قم، انتشارات و مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۳). *چهل حدیث*. قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸). *تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی*، قم، مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
- نراقی مهدی (۱۳۷۷). *جامع السعادات*، ترجمه: سیدجلال الدین مجتبیوی، جلد اول، تهران، انتشارات حکمت.
- نهج الفصاحه حضرت محمد (ص) (۱۳۸۵). ترجمه: ابراهیم احمدیان، قم، انتشارات، گلستان ادب.
- هوشیار، باقر (۱۳۴۷). *اصول آموزش و پرورش*. تهران، انتشارات امیرکبیر.

لاتین

- Brubacher, John S. (1969). **Modern philosophies of education**. Kogakusa Company LTd. Tokyo.
- Curis. SJ. (1965). **A short history of educational ideas Britain university tutorial LTD** foxton, near Cambridge.
- Foff Arthure (1956). **Readings in education**, New work, and Evanston.
- Moor T.W. (1974). **Educational theory an introduction**. routedge kegan paul Lodon and Boston.